|  |
| --- |
| موضوع: سوره حمد  عنوان: تفسير سوره مبارکه حمد جلسه 25  مدت زمان: 35.16 دقیقه اندازه نسخه كم حجم: 4.03 MB دانلود اندازه نسخه پر حجم: 8.07 MB دانلود  اعوذ بالله من الشيطان الرجيم  بسم الله الرحمن الرحيم  الحمد لله رب العالمين الرحمن الرحيم  مالك يوم الدين اياك نعبد و اياك نستعين  اهدنا الصراط المستقيم  تكويني بودن هدايت در \*«اهدنا الصراط المستقيم»\*  اين آيهٴ مباركه \*«اهدنا الصراط المستقيم»\*﴿1﴾، اموري را دربردارد كه بعضي از آنها به عرض رسيد و اشاره شد به اينكه وقتي خدای سبحان انسان را به وسيلهٴ‌ وحي به راه راست هدايت كرده است، انساني كه به حالت ايمان و خضوع در آمد،‌ و خواندن نماز نصيب او شد، او از خداي سبحان هدايت صراط مستقيم را مسئلت مي‌كند، يا به معناي آن است كه اين توفيق را كه به ما دادي ادامه بده و اهدنا يعني «أدمنا» نه هدايت به معناي ادامه استعمال بشود . هدايت يعني اين هدايت داده را استمرار بده يا نه همان هدايت تكويني مراد است يعني لطفت كه شامل حال ما شد، ما را تشريعاً‌ به راه راست هدايت كردي توفيق طي اين طريق را هم به ما مرحمت بكن. صرف دانستن كافي نباشد آن نورانيتي كه در پرتو آن نورانيت انسان اين راه را به درستي طي مي‌كند، به ما مرحمت كن.  راههاي دستيابي به هدايت تكويني  خودش هم در سورهٴ مباركهٴ تغابن فرمود:‌ \*«و من يؤمن بالله يهد قلبه»\*﴿2﴾ كه نشانهٴ هدايت تكويني است. در سورهٴ نور آيهٴ 54 اينچنين فرمود: \*«قل اطيعوا الله و اطيعوا الرسول فان تولوا فانما عليه ما حمل و عليكم ما حملتم و ان تطيعوه تهتدوا»\*﴿3﴾ ما كه از خداي سبحان هدايت طريق مستقيم را مسئلت مي‌كنيم، سخن خداي سبحان اين است كه اگر شما خدا را اطاعت بكنيد، هدايت مي‌شويد. اين از باب اتحاد مقدم و تالي است؟ يا نه اگر چنانچه اطاعت بكنيد آن هدايت تكويني نصيبتان مي‌شود. يعني بعد از تمام شدن حجت، بعد از اينكه راه معلوم شد اگر اين راه را مقداري طي كرديد آنگاه آن هدايت تكويني نصيبتان مي‌شود. آنگاه راه را به خوبي طي مي‌كنيد شما دو نفر را حساب كنيد كه، هر دو دستورات ديني را مي‌دانند يكي با رغبت و ميل عمل مي‌كند، يكي عمل نمي‌كند. آنكه عمل مي‌كند توفيق الهي نصيبش شده است به نام هدايت تكويني. آنكه عمل نمي‌كند از آن هدايت تكويني محروم است. ما كه در نماز و غير نماز عرض مي‌كنيم؛ \*«اهدنا الصراط المستقيم»\*﴿4﴾ نه يعني براي ما احكام را بيان كن و تبليغ كن كه ما بفهميم چي واجب است و چي حرام بعد از اينكه تبليغ به عمل آمد ما فهميديم چي واجب است چي حرام، از خداي سبحان مسئلت مي‌كنيم، توفيق طي اين راه را به ما بده. خدا هم مي‌فرمايد شما چند قدم اين راه را طي كنيد، بعداً‌ هدايت مي‌شويد. \*«ان تطيعوه تهتدوا»\*﴿5﴾ نه يعني إن تطيعوه تهتدوا تشريعاً‌ اين كه مي‌شود اتحاد مقدم و تالي. مثل آن است كه بگويد ان تطيعوه تطيعوه نه \*«ان تطيعوه»\*﴿6﴾؛ اگر اين راه را اطاعت كنيد و طي كنيد آنگاه مهتدي مي‌شويد تكويناً.  نظير آنچه فرمود \*«اما من اعطي و اتََّقي و صدَّق بالحسني فسنيسره لليسري»\*﴿7﴾ ما اول راه را براي همه بيان كرديم اگر كسي اين راه را چند قدمي طي كرد، بعداً ما طي اين راه را براي او آسان مي‌كنيم خيلي به آساني متدين هست. اگر انجام كارهاي واجب به نام جهاد اكبر دشوار است براي او سهل است. او به آساني مواظب زبانش است. به آساني از مال حرام مي‌گذرد . اگر ديگران در برابر مال حرام دستشان مي‌لرزد اين خيلي به آساني از حرام پرهيز دارد \*«فسنيسره لليسري»\*﴿8﴾ يعني اليسري براي او سخت نيست اطاعت كردن. پرهيز از گناه براي او دشوار نيست. خيلي به طور عادي اطاعت مي‌كند و از گناه پرهيز مي‌كند اين مي‌شود هدايت تكويني. پس اگر ما از خداي سبحان مسئلت مي‌كنيم، مي‌گوييم \*«اهدنا الصراط المستقيم»\*﴿9﴾، حضرتش هم راه را نشان داد؛ فرمود \*«ان تطيعوه تهتدوا»\*﴿10﴾ نظير آيهٴ سورهٴ تغابن كه \*«و من يؤمن بالله يهد قلبه»\*﴿11﴾  هدايت تكويني در قرآن  آنگاه نمونه‌هايي از اينكه خداي سبحان چه افرادي را به راه راست هدايت كرده است، در موارد گوناگون ملاحظه مي‌فرماييد. در همان آيه‌اي كه پايان بحث ديروز، تلاوت شد و تتمه‌اش مانده بود در سورهٴ مائده آيهٴ ‌16 اين است فرمود \*«قد جاءكم من الله نور و كتاب مبين يهدي به الله من اتبع رضوانه سبل السلام»\*﴿12﴾ هم به ما فهماند اگر قرآن هادي است ابزار هدايت است نه هادي بالذات. يعني اگر در سورهٴ اسراء هدايت به قرآن نسبت داده شد و گفتيم \*«ان هذا القرآن يهدی للتي هي اقوم»\*﴿13﴾ در حقيقت هادي خداست و قرآن ابزار هدايت است. فرمود اين كتاب و نور مبين آمده است كه خداي سبحان بوسيلهٴ اين كتاب هدايت مي‌كند. \*«يهدي به الله»\*﴿14﴾ كي را؟ اين كتاب كه \*«هدي للناس»\* است كتابي كه \*«للعالمين نذيرا»\*﴿15﴾ است كتابي كه \*«ذكري للبشر»\*﴿16﴾ است. ولي مع ذلك فرمود بوسيلهٴ قرآن ما يك گروه خاصي را هدايت مي‌كنيم اين گروه خاص همان مؤمنينند كه از هدايت تكويني برخوردارند و گرنه كه هدايت تشريعيش كه عالمي است. اين قرآن همان وقتي كه نازل شد فرمود من جهاني‌ام، \*«للعالمين نذيراً»\*﴿17﴾ \*«و ما هي إلاّ ذكري للبشر»\*﴿18﴾. تا آنجا كه جاي بشريت است اين قرآن حجت بالغهٴ خدا است. اما در اين سورهٴ مائده مي‌فرمايد خدا به وسيلهٴ اين قرآن يك گروه مخصوصي را هدايت مي‌كند و آنها كيانند؟‌ \*«يهدي به الله من اتبع رضوانه»\*﴿19﴾ كساني كه تابع رضوان خدايند يعني هر كاري را لله انجام مي‌دهند و رضاي حق را طلب مي‌كنند، اين گروه كه راهيان راه الهي‌اند، خدا اينها را تكويناً‌ در مرحلهٴ بقاء دستشان را مي‌گيرد به راه سلامت مي‌رساند. خيلي آسان، سالم از اين دنياي پر خطر بيرون مي‌روند. اگر دربارهٴ مسيح (سلام الله عليه) دربارهٴ يحيای شهيد (سلام الله عليه) آمده يكجا با الف و لام يكجا بي الف و لام \*«و السلام عليَّ يوم ولدت و يوم اموت و يوم ابعثُ حيا»\*﴿20﴾ يعني اين نشئات سه گانه را با سلامت طي مي‌كند، سالماً‌ مي‌ميرند. كسي سالماً‌ مي‌ميرد كه سالماً‌ زندگي كرده باشد. و كسي سالماً‌ در قيامت محشور مي‌شود كه سالماً‌ مرده باشد. يحيي (سلام الله عليه) اينچنين بود \*«سلام عليه يوم ولد و يوم يموت و يوم يبعث حيا»\*﴿21﴾ خدا فرمود من يك عده را سالماً به مقصد مي‌رسانم. اين مي‌شود هدايت تكويني. \*«و يهديهم الي صراط مستقيم»\*﴿22﴾.  سؤال...  جواب: «أرني الحق حقاً حتي اتبعه»﴿23﴾. آن هدايت تكويني است . يعني طوري روشن كن كه ديگر من تجاوز نكنم. آن نورانيت را به من مرحمت كن كه خوب ببينم .  اصل اينكه هدايت به معناي ايصال به مطلوب است در قرآن آمده در چند جا . خواه مطلوب بد , خواه مطلوب خوب، يك وقت دست كسي را مي‌گيرند، به مقصود او مي‌رسانند اين مي‌شود هدايت تكويني خواه مقصود بد خواه مقصود خوب  سؤال...  جواب: بله ديگر، چون معنويات هم مثل ماديات مخلوق خداي سبحانند ديگر. مثلاً اگر خداي سبحان اين نور چشم را مرحمت كرده است آن نور دل را هم او مرحمت مي‌كند. اين دعاي تعقيب نماز صبح كه از امام رضا (سلام الله عليه) رسيده است و ديگران هم چنين مي‌كنند؛‌‌ «و النور في بصري و البصيرة في ديني»﴿24﴾ هر دو را انسان از خدا مي‌خواهد. «و اجعل النور في بصري و البصيرة في ديني»﴿25﴾ اين هر دو تكويني است هم نور چشم را انسان از خدا مي‌خواهد اين امر تكويني است، هم نور دل را از خدا مي‌خواهد اين امر تكويني است.  عدم اختصاص هدايت تكويني عام به مؤمنان  در سورهٴ صافات فرمود اينها را به آن مقصودشان، به مقصدشان راه نمايي كنيد . دو سه آيه كنار هم است در سورهٴ صافات ظاهراً نيست. \*«فاهدوهم الي صراط الجحيم»\*﴿26﴾ يعني در قيامت خداي سبحان به فرشته‌ها دستور مي‌دهد كه اين كفار و فسقه را هدايت كنيد به راه جهنم . آنها راه جهنم را هم نمي‌دانند يعني يكي از بلاها و عذابهايي كه كفار در قيامت مبتلايند اين است كه بايد بروند جهنم اما سرگردانند راهش كجاست . عده‌اي اينها را مستقيم به جهنم مي‌برند. \*«فاهدوهم الي صراط الجحيم»\*﴿27﴾ نه يعني تبليغ كنيد كه هدايت، هدايت تشريعي باشد چون در قيامت سخن از تشريع نيست. يعني دستشان را بگيريد برسانيد. مقصودشان هم جهنم بود منتها نمي‌دانستند جهنم مقصودشان است چيز ديگر خيال مي‌كردند. هدايتشان كنيد به راه جهنم . \*«فاهدوهم الي صراط الجحيم»\*﴿28﴾ فرمود \*«فاهدوهم الي صراط الجحيم و قفوهم انهم مسئولون ما لكم لا تناصرون»﴿29﴾ فرمود اينها را هدايتشان كنيد به جهنم، به راه جهنم. اين هدايتِ تشريع نيست، يعني اينها را ببريد در دنيا به فرشته‌‌گان خداي سبحان دستور مي‌دهد كه اين شخص را به راه خير ببريد. توفيق، درك، بينش، گرايش، علاقه پيدا مي‌شود امكانات را از بيرون گرايش را از درون فراهم مي‌كند انسان به خوبي موفق مي‌شود. گاهي كه خداي سبحان بخواهد امتحان بكند اينچنين است، كه همهٴ وسايل را فراهم مي‌كند تا انسان را بيازمايد. گاهي هم كه بخواهد هدايت تكويني بكند همهٴ وسايل را از درون و بيرون فراهم مي‌كند تا انسان را بيازمايد. آنگاه انسان در هنگام تهيهٴ وسايل به خوبي راه را مي‌بيند و انجام مي‌دهد. و همهٴ وسايل را هم خداي سبحان برايش فراهم مي‌كند و آماده مي‌كند. اين مي‌شود هدايت تكويني. بنابراين هدايتي كه در سورهٴ صافات آمده است كه \*«فاهدوهم الي صرط الجحيم»\*﴿30﴾ اين هدايت تكويني است چون در قيامت سخن از تشريع نيست.  چه اينكه بهشتي‎ها هم مي‌گويند \*«الحمد لله الذي هدانا لهذا»\*﴿31﴾ آنجا هم سخن از تكوين است نه تشريع. خدا را شكر كه ما را به اينجا رساند . اين تكوين است. تشريع آن است كه براي انسان قانون معين كنند كه انسان بعد از درك قانون بفهمد چي واجب است چي حرام يا اطاعت كند يا تمرد. اما تكوين آن است كه گرايش و بينش و هوش و وسايل را فراهم بكند تا انسان راه را طي كند.  سؤال...  جواب: نه منظور اين است كه هدايت به آن معنا كه شامل همه شده است خداي سبحان همه را هدايت كرده است. بهشتيان كه در بهشت مي‌گويند خدا را شكر مي‌كنيم كه ما را هدايت كرد ، يعني خدا را شكر مي‌كنيم كه براي ما احكام گفت؟ كه اين احكام را براي همه گفت. آني كه در بهشت از بهشتيان شنيده مي‌شود، اين است كه خدا را شكر مي‌كنيم كه ما را به اينجا رساند. خدا را شكر مي‌كنيم كه به وعده‌اش وفا كرد. خدا را شكر مي‌كنيم كه حزن و اندوه را از ما برداشت. خدا را شكر مي‌كنيم كه زمين بهشت را ارث ما قرار داد. اينها محامد اهل بهشت است. \*«الحمد لله الذي اذهب عنا الحزن»\*﴿32﴾ \*«الحمد لله الذي هدانا لهذا»\*﴿33﴾ \*«والحمد لله الذي صدقنا وعده و اورثنا الارض نتبوأ من الجنة حيث نشاء»\*﴿34﴾. اينها محامد اهل بهشت است.  سؤال...  جواب: درست است ولي منظور اين است كه آن امري نيست مخصوص اهل بهشت، و اين دارد محامد بهشتيان را ذكر مي‌كند. آن حمد خدا را كه براي ما احكام بيان كرد . صرف تبيين احكام انسان را به بهشت نمي‌رساند براي اينكه \*«هديً‌ للناس»\* بود. جهنمي‌ها هم مي‌گويند به اينكه براي ما گفتند احكام را براي ما گفتند خزنهٴ جهنم از جهنميان سؤال مي‌كند \*«أ لم يأتكم نذير قالوا بلي قد جاءنا نذير فكذبنا و قلنا ما نزل الله من شي ان انتم إلاّ في ضلال كبير»\*﴿35﴾ بنابراين آنچه مهم است آن عنايتي الهي است كه انسان را به مقصد و مقصود مي‌رساند.  رسالت و هدايت، منّت الهي  و اين را دربارهٴ انبياء چنين مي‌فرمايد: در سورهٴ صافات راجع به موسي و هارون ﴿عليهما السلام﴾ لسان قرآن كريم اين است. آيهٴ 114 به بعد سورهٴ صافات \*«ولقد مننا علي موسي و هارون و نجيناهما و قومهما من الكرب العظيم و نصرناهم فكانوا هم الغالبين و آتيناهما الكتاب المستبين و هديناهما الصراط المستقيم»\*‌﴿36﴾ ما بر موسي و هارون منت نهاديم. منت آن نعمت سنگين است. آن نعمتي كه حملش مشكل است آن را مي‌گويند منت. رسالت، منت است. هدايت، منت است و مانند آن. خداي سبحان با آفرينش اين مجموعهٴ نظام، آسمان و زمين، خلق آفتاب و آب و امثال ذلك منت ياد نكرد. نفرمود من بر شما منت نهادم كه بر شما آفتاب خلق كردم يا آب خلق كردم. منت هي النعمة الثقيله. آن نعمت وزين را مي‌گويند منت. اما دربارهٴ رسالت سخن از منت است \*«لقد من الله علي المؤمنين اذ بعث فيهم رسولا»\*﴿37﴾ هدايت سخن از منت است \*«بل الله يمن عليكم أن هداكم للايمان»\*﴿38﴾ و مانند آن. دربارهٴ موسي و هارون ﴿عليهما السلام﴾ سخن از منت است. فرمود ما بر اينها منت نهاديم. اينها را چكار كرديم؟ اينها را در جنگ پيروز كرديم. بعد به اينها چي داديم؟ به اينها تورات داديم. بعد چكارشان كرديم؟ اينها را به راه راست هدايت كرديم. خوب اين هدايت راه راست به معناي تشريع كه براي همهٴ بني‌اسرائيل بود. براي همهٴ بني‌اسرائيل مسئلهٴ تشريع احكام بود. اختصاصي به موسي و هارون ﴿عليهما السلام﴾ نداشت. اين منتي بر موسي و هارون نبود. اينكه مي‌فرمايد: ما بر اينها منت نهاديم، به اينها كتاب مستبين داديم، اينها را به صراط مستقيم هدايت كرديم، يعني تكويناً. يعني آن توفيق را داديم. آن نورانيت را به ايشان داديم.  سؤال...  جواب: اگر هدايت تشريعي شد، مكلّف به حسن اختيار خود چند قدم عمل كرد، اطاعت كرد، آنگاه هدايت تكويني نصيبش مي‌شود. \*«ان تطيعوه تهتدوا»\*﴿39﴾ \*«و من يؤمن بالله يهد قلبه»\*﴿40﴾. اوّل سخت است براي انسان، بعد آسان مي‌شود. اينكه بعد آسان مي‌شود، همهٴ مشكلات را خداي سبحان حل مي‌كند، اين هدايت تكويني است. اين اول رايگان نصيب كسي نمي‌شود. اگر يك كسي چند قدمي اين راه را طي كرد، آنگاه آن هدايت تكويني نصيبش مي‌شود. اگر موسي و هارون ﴿عليهما السلام﴾ آن مشكلات را تحمل نمي‌كردند، اين هدايت تكويني نصيبشان نمي‌شد.  سؤال...  جواب: اين چون يقين را براي متقين بيان كرد خداي سبحان هم دربارهٴ متقين دارد: \*«ان تتقوا الله يجعل لكم فرقاناً»\*﴿41﴾ اينها اهل تقوي شدند، خداي سبحان اين نورانيت را به ايشان مرحمت كرده است. نه اينكه متقي از پيش خود اين نورانيت را دارد. تقوا هم همان عبادت خاصه است. والحمد لله رب العالمين  سؤال...  جواب: مبتدي چون از هدايت تكويني هنوز برخوردار نشده و مختار است. \*«انا هديناه السبيل»\*﴿42﴾ مبتدي بين دو راه ايستاده است \*«و هديناه النجدين»\*﴿43﴾ نجد خير و نجد شر. اگر به حسن اختيار خود راه خير را چند قدم طي كرده است، ايمان آورد و اطاعت كرد بقيهٴ راه را به آساني طي مي‌كند. آن بقيه مي‌شود تكويني.  سؤال...  رهزني شيطان، در صراط مستقيم  جواب: بله مادامي كه در غير معصومين بله چون بالاخره شيطان در همهٴ‌ اين راهها هست. شيطان هم در همين راه‌ها هست اين راه مستقيم شيطان ، آدرسش را قرآن كريم مشخص كرد. گفت من راه‌هاي انحرافي من نيستم براي اينكه آنها را ديگر من دادم به مأمورين جزء‌ و خودشان شيطان شدند. آدرس من همين صراط مستقيم است، من جاي ديگر كار ندارم. \*«لاقعدن لهم صراطك المستقيم»\*﴿44﴾ من سر راه مي‌نشينم. منتها اين صراط مستقيم طولانيست. از مراحل بدوي شروع مي‌شود تا لقاء الله. اين اوائل راه و تا حدودي اواسط راه شيطان هست. از آن به بعد ديگر جاي نفوذ شيطنت نيست . انسان اگر اين مقدار راه را طي كند از اوائل بگذرد از اواسط بگذرد به آن بخش سوم برسد، يعني جزء عباد مخلص بشود،‌ شيطان ديگر آنجا راه ندارد اصلا و گرنه گفت من سر راه مي‌نشينم. جاي ديگر من نيستم جايي كه پرتگاه است من نيستم. من سر راه مي‌نشينم دست اينها را مي‌گيرم پرت مي‌كنم. كارم اين است. \*«لاقعدن لهم صراطك المستقيم»\*﴿45﴾ همين جا كمين مي‌زنم. خداي سبحان هم فرمود: پيامبر من هم در همين جاست خود من هم در اينجا حضور دارم و اينها را راهنمايي مي‌كنيم. دربارهٴ پيامبر هم فرمود: \*«يس و القرآن الحكيم انك لمن المرسلين علي صراط مستقيم»\*﴿46﴾ تو بر صراط مستقيم هستي. تو جلو داري مي‌روي اين قافله هم بدنبال تو دارند مي‌آيند. اين هم كمين مي‌زند. من هم كه خدايم كارم روي اين صراط مستقيم است شما اگر اين مقدار را طي كنيد ديگر از كمين شيطان بيرون مي‌رويد يعني وقتي برسيد به مرحلهٴ اخلاص شيطان بلد نيست چگونه مخلصين را فريب بدهد.  عدم دسترسي شيطان به مخلَصين  آنچه را كه مخلَصين دنبال او هستند، شيطان نمي‌فهمد. آنچه كه ابزار كار و بازي شيطان است، مخلصين روي او پا گذاشتند اين است كه اوايل راه جاي شيطنت هست كه كمين بزند اما اواخر راه جاي شيطنت نيست. لذا اگر اخلاص را رها كنند از آن بخش سوم مي‌افتند توي بخش دوم و اول، خطر دارد. اين اخلاصي كه حفظ بكنند در دسترس كسي نيستند لذا شيطان گفت \*«الا عبادك منهم المخلَصين»\*﴿47﴾ خداي سبحان هم فرمود به اينكه تو بر بندگان مخلَص من راه نداري.  سؤال...  جواب: بله؟ قبل از تشريع. تشريع بايد باشد برنامه بايد باشد تا به يك كسي توفيق طي آن راه را بدهند. آن هم به نوبهٴ خود شرع است چون يكي از حجج الهيّه شرع است ديگر. بعضي از چيزها را عقل مي‌فهمد انسان اگر دسترسي پيدا نكرده است، به اينكه بفهمد \*«لا تأكلوا اموالكم بينكم بالباطل»\*﴿48﴾ ولي عقل مي‌گويد خوردن مال مردم حرام است. خب اين حجت شرعي است ديگر. خود عقل حجة شرعيه «ان لله علي الناس حجتين، حجة ظاهرة و حجة باطنة»﴿49﴾ عقل حجت شرعيست. كه بوسيلهٴ عقل هم عبد بر مولا احتجاج مي‌كند هم مولا بر عبد. آنگاه خداي سبحان مي‌گويد من حجت را به شما دادم ديگر. اگر چيزي كه عقل نفهمد، نظير خصوصيتهاي عبادي و امثال ذلك البته شخص معذور است.  سؤال...  جواب: ممكن است غير معصوم هم به مقام اخلاص برسد. از آن طرف هر معصومي مخلَص هست اما از اين طرف هر مخلَصي معصوم باشد لازم نيست.  سؤال...  جواب:‌ گمراه نمي‌شود ديگر، حفظ مي‌شود.  سؤال...  جواب: امكان چرا امكان هست لذا بايد اخلاصش را حفظ كند. اگر اخلاصش را حفظ نكرد اين خطر هست.  سؤال...  جواب: بالاخره شيطان مواظب است ببيند كه اين سقوط مي‌كند مي‌آيد تو بخش دوم و اول كه بگيرد يا نه. مادامي كه آنجا هست دسترسي به او ندارد.  سؤال...  جواب: چرا خود انسان از درون خود مي‌تواند بالاخره فريب بخورد. ديگر  سؤال...  جواب: انحصارش از كجاست؟ مثلا او عامل قريب است \*«و لقد خلقنا الانسان و نعلم ما توسوس به نفسه»\*﴿50﴾ آن خناسي كه \*«يوسوس في صدور الناس»\*﴿51﴾ او كمين كرده در بخش اول و دوم. اما آن نفسي كه با انسان همواره هست، \*«و لقد خلقنا الانسان و نعلم ما توسوس به نفسه و نحن اقرب اليه من حبل الوريد»\*﴿52﴾ آن همواره با انسان است.  سؤال...  جواب: سرپيچي از تكوين؟ نه اگر محال باشد كه مي‌شود جبر. تكوين در حد يك توفيق است. راه را انسان به آساني طي مي‌كند. و الا مي‌شود جبر.  سؤال...  جواب:‌ نه ترك اولي يعني مثلا دو تا مستحب بود يكي افضل بود و يكي  ادامه سؤال قبلي:  جواب: بله؟ نه حالا جريان حضرت آدم ﴿سلام الله عليه﴾ مي‌رسيم به اينكه او اصلا تشريع نبود. چون در آن عالم سخن از تشريع نيست بعدا كه به زمين آمد شد اولين پيامبر و تشريع از اين بعد هست . ولي ممكن است يك امري افضل باشد نسبت به يك امر ديگر اينها چون ابرار دارند و مقربين. «حسنات الابرار سيئات المقربين»﴿53﴾ باشد و گرنه متروك و امثال ذلك آنجا نبود.  هدايت نيكان، شرح صدر  بنابراين اگر خداي سبحان بخواهد كسي را به راه راست تكويناً هدايت كند خود اين شخص بايد مقداري از اين راه را طي كند تا توفيق هدايت تكويني نصبيبش بشود. و همانطوري كه در سورهٴ تغابن فرمود:‌ \*«و من يؤمن بالله يهد قلبه»\*﴿54﴾ در سورهٴ انعام هم تشريح مي‌كند كه اگر ما خواستيم كسي را هدايت كنيم قلب او را روشن و منشرح مي‌كنيم. شرح صدر به او مي‌دهيم. آيه 125 سورهٴ انعام فرمود: \*«فمن يرد الله ان يهديه يشرح صدره للاسلام و من يرد ان يضله يجعل صدره ضيقا حرجا كانما يصعَّد في السماء»\*﴿55﴾ اگر كسي خواست، خدا خواست كسي را هدايت كند قلبش را باز مي‌كند. شرح صدر به او مرحمت مي‌كند. قلب مشروح معارف بلندتر را درك مي‌كند. همان بياني كه اميرالمؤمنين (سلام الله عليه) در آن حديث به كميل فرمود: «يا كميل ان هذه القلوب أوعية فخيرها اوعاها»﴿56﴾؛ اين دلها ظروف انديشه‌هاست، بهترين دل آن قلبي است كه ظرفيتش بيشتر باشد. آن قلبي كه ظرفيتش بيشتر است براي درك مطالب بلندتر، او از شرح صدر برخوردار است. در اين كريمه فرمود: خدا هر كه را بخواهد هدايت كند، شرح صدر به او مرحمت مي‌كند. و هر كه را بخواهد گمراه كند، دلش را مي‌بندد. خب اين تشريعي است يا تكويني؟ تشريعي كه براي همه يكسان است. فرمود: \*«هدي للنّاس»\*﴿57﴾، به همهٴ مردم بدهيد. نه اينكه اول شرح صدر به كسي مرحمت كند يا قلب كسي را ببندد. اول به عنوان هدايت عامه، همگان را هدايت مي‌كند \*«نذيراً للبشر»\*﴿58﴾ \*«ذكري للبشر»\*﴿59﴾ \*«نذيراً للعالمين»\*﴿60﴾ اگر كسي اين راه را مقداري طي كرده است، خدا به او شرح صدر مي‌دهد. \*«لكيلا تأسوا علي ما فاتكم و لاتفرحوا بما آتاكم»\*﴿61﴾؛ مثل يك درياي عظيم. اگر چيزي وارد دريا بشود، دريا را تكان نمي‌دهد. چيزي از دريا گرفته بشود، دريا را كم نمي‌كند. طوري كه او نگران بشود. قلب مشروح اين چنين است؛ اگر حادثهٴ تلخي بيايد او غمگين نمي‌شود، نعمتي به او برسد او مسرور نخواهد شد. چون هر دو را به عنوان آزمون الهي مي‌داند. اين قلب مشروح جا براي حوادث نيست خلاصه. اين شرح صدر است.  گمراهي منحرفان، تنگ جاني  آنگاه وقتي كه فرمود: هر كه را خدا بخواهد گمراه كند قلبش را مي‌بندد، ذيلاً بيان كرد \*«كذلك يجعل الله الرجس علي الذين لا يؤمنون»\*﴿62﴾ اين رجس و پليدي را كه عبارت است از بستن دل و تنگي جان است، خدا بر افرادي كه ايمان نياوردند تحميل مي‌كند. معلوم مي‌شود اگر شرح صدر اعطا مي‌كند به مؤمنين مرحمت مي‌كند. اگر بستن دل بر كسي تحميل مي‌شود، آن كسي است كه رجس و گرفتاري عدم ايمان دامنگير او شد. \*«كذلك يجعل الله الرجس علي الذين لا يؤمنون»\*﴿63﴾ آنگاه معلوم مي‌شود شرح صدر طهارت است و ضيق صدر رجس، پليدي. اين پليدي كه انسان بايد از آن مهاجرت كند. پس اين طور نيست كه بدواً، رايگان خداي سبحان قلب كسي را مشروح كند يا دل كسي را ببندد. اين چنين نيست. و در سورهٴ كهف جريان اصحاب كهف را كه تشريح مي‌كند، مي‌فرمايد اينها قيام كردند مبارزه كردند، دست از آسايش كشيدند، ما هم يك هدايت زائدي به اينها داديم. اين هدايت زائد همان هدايت تكويني است نه تشريعي. چون تشريع كه نسبت به همه شد. در سورهٴ كهف آيهٴ 13 فرمود: \*«نحن نقص عليك نبأهم بالحق إنّهم فتية آمنوا بربهم و زدناهم هدي»\*﴿64﴾ اينها يك رادمرداني بودند كه براي خدا قيام كردند. شاب نبودند، فتي بودند. سخن از فتوت است. و گر نه سنشان كم نبود. اينها جوانمرد بودند و نه جوان. سخن از فتوت است \*«انهم فتية آمنوا بربهم»\*﴿65﴾ يك جوانمرداني بودند كه قيام كردند، ما هم هدايتشان را زياد كرديم. نه هدايتشان را زياد كرديم يعني احكام را برايشان گفتيم كه بشود تشريعي. اين هدايت كه تكويني است، دربارهٴ اينها افزوده كرديم، راه را به خوبي ديدند. به آساني راه را طي كردند. و از هيچ خطري نترسيدند. \*«انهم فتية آمنوا بربهم و زدناهم هدي»\*﴿66﴾.  هدايت به سخن نيك و پاكيزه  در سورهٴ حج وقتي جريان اهل بهشت را تشريح مي‌كند، آيهٴ 24 سورهٴ حج اين است كه مي‌فرمايد: \*«و هدوا الي الطيب من القول و هدوا الي صراط الحميد»\*﴿67﴾ اينها به خوب حرف زدن هدايت شدند. به قول طيب هدايت شدند. قول طيب را كه خداي سبحان به همه دستور داد شما خوب حرف بزنيد. چطور اينها فقط هدايت شدند به خوب حرف زدن؟ حرفي كه كسي را حيثيت كسي را نبرد، حرفي كه خبيث نباشد، از دهن اينها خبيث باشد، از دهن اينها بيرون نمي‌آيد و حرف گزنده از دهن اينها بيرون نمي‌آيد. اين هدايت تكويني است. چرا؟ چون راههاي خير را از قبل طي كرده‌اند. آنگاه خداي سبحان طرز حرف زدن را هم به اينها آموخت. اصلاً بد نمي‌گويند، لغو نمي‌گويند و چيزي كه وقار و عظمت اينها را هم كم بكند، نمي‌گويند.  وصيّت حضرت علي﴿عليه السلام﴾ به پرهيز از سخن لغو  در همان نامه كه در نهج البلاغه اميرالمؤمنين (سلام الله عليه) براي حسن بن علي (عليهما السلام) مرقوم فرمود، از آنجا تعبير كرد از حضرت به عنوان بني، يعني پسرك من. با ترحم و امثال ذلك ياد مي‌كند. مي‌فرمايد: اين چنين نباش كه در مجالس نشسته‌اي حرفي بزني كه ديگران بخندند ولو از ديگري نقل كني.﴿68﴾ در جلسه طوري باشي كه تو بگويي و ديگران بخندند. دهانت وسيلهٴ خندهٴ ديگران باشد. خود را سبك نكن با اين سخن. در پايان آن نامه كه در نهج البلاغه هست، فرمود: نقل نكن يك چيزي كه ديگران بخندند. اين شايستهٴ يك انساني كه در راه است، نيست.  قول طيب آن است كه انسان مواظب زبانش باشد. مواظب گفتارش باشد. لغو نگويد. لهو نگويد و مانند آن. اين يك امر تكويني است كه خداي سبحان به اينها مرحمت كرده است.  سؤال...  جواب: بله؟ اشكال ندارد اما ببينيد يك وقت انسان مي‌خواهد بداند حرام است يا نه، يك وقت مي‌خواهد بداند كه بالاخره انسان خودش را به چه چيز سرگرم مي‌كند. دهان عادت مي‌كند ديگر.  هدايت تكويني و تشريعي  مسئلهٴ هدايت تكويني و هدايت تشريعي را در آياتي كه قرآن كريم هم به پيامبر نسبت مي‌دهد، هم از پيامبر سلب مي‌كند، به خوبي مشخص كرده كه يكي تكويني است يكي تشريعي. خداي سبحان هم به پيامبر مي‌فرمايد تو هدايت نمي‌كني، هم مي‌فرمايد تو هدايت مي‌كني. هم مي‌فرمايد تو به صراط مستقيم هدايت نمي‌كني، هم مي‌فرمايد تو به صراط مستقيم هدايت مي‌كني. پيداست كه يكي تكويني است يكي تشريعي. در سورهٴ قصص آيهٴ 56 به بعد اين است: \*«انك لا تهدي من احببت»\*﴿69﴾؛ تو هر كه را بخواهي هدايت نمي‌كني كه، \*«ولكن الله يهدي من يشاء»\*﴿70﴾؛ خداست كه هدايت مي‌كند. اين معلوم مي‌شود هدايت تكويني است. چون خدا به رسولش فرمود تو مردم را به صراط مستقيم هدايت مي‌كني. يعني تشريعاً احكام الهي را براي مردم بيان مي‌كني. آن را در پايان سورهٴ شوري آيهٴ 52 و 53 بيان مي‌كند. مي‌فرمايد به اينكه: \*«وكذلك اوحينا اليك روحاً من امرنا»\*﴿71﴾ اين امر تكويني است. \*«ما كنت تدري ما الكتاب و لا الايمان ولكن جعلناه نوراً نهدي به من نشاء»\*﴿72﴾ ما اين امر را كه هدايت تكويني است، يك نور خاصي قرار داديم كه اين نور خاص را به همه نخواهيم داد. هر كه را بخواهيم مي‌دهيم. كي ها را مي‌خواهد خدا؟ \*«من يؤمن بالله يهد قلبه»\*﴿73﴾ \*«ان تطيعوه تهتدوا»\*﴿74﴾ آنها را خدا مي‌خواهد. \*«و يهدي اليه من اناب»\*﴿75﴾ \*«و يهدي اليه من ينيب»\*﴿76﴾ كه بحثهايش در سورهٴ رعد گذشت.  مصداق \*«اهدنا »\* در آيهٴ مورد بحث  فرمود اين يك نوري است ما به همه نمي‌دهيم. هر كه را بخواهيم مي‌دهيم. كي‌ها را مي‌خواهد؟ \*«من يؤمن بالله يهد قلبه»\*﴿77﴾ كسي كه چند قدم اين راه را طي كند، به او اين نور را مرحمت مي‌كند. معلوم مي‌شود اين \*«اهدنا الصراط المستقيم»\*﴿78﴾ مسئلت كردن نور است. خدايا يعني نور به ما بده. نه اهدنا يعني نورنا، هدايت مصداقش با مصداق نور يكي است. نه اينكه لفظ هدايت و لفظ نور مترادف باشند يا اهدنا در نورنا استعمال شده باشد و مانند آن. نه، اهدنا همان اهدنا است. رساندن است. راهنمايي كردن است. منتها راهنمايي تكويني در لسان قرآن كريم، نور است. كه انسان به خوبي راه را مي‌بيند. فرمود اين نور را به هر كه بخواهيم مي‌دهيم. تو كارت هدايت است. \*«جعلناه نوراً نهدي به من نشاء من عبادنا»\*﴿79﴾ اما \*«و انك لتهدي الي صراط مستقيم»\*﴿80﴾ تو فقط مردم را به صراط مستقيم هدايت مي‌كني. همين صراط مستقيمي كه در سورهٴ قصص همين الان بحث شد كه خدا فرمود: \*«انك لا تهدي من احببت»\*﴿81﴾ تو هدايت نمي‌كني. در سورهٴ قصص مي‌فرمايد تو هدايت مي‌كني. در سورهٴ قصص كه فرمود تو هدايت نمي‌كني يعني تو كسي نيستي كه دست اينها را بگيري و تا بهشت برساني، تو فقط مي‌گويي. \*«و ما علي الرسول الا البلاغ»\*﴿82﴾ تو مي‌گويي \*«اقم الصلوة»\*﴿83﴾ اما من هستم كه دل اينها را نور مي‌دهم اينها راه را طي مي‌كنند. پس در سورهٴ قصص فرمود: \*«انك لا تهدي من احببت»\*﴿84﴾ تو هر كه را بخواهي، دوست داشته باشي هدايت نمي‌كني. تو فقط بيان مي‌كني احكام الهي را. \*«بلغ ما انزل اليك من ربك»\*﴿85﴾ يكي نمي‌پذيرد ولايت حضرت امير (سلام الله عليه) را، يكي مي‌پذيرد. يكي نور دارد، يكي ندارد. تو فقط تبليغ مي‌كني. در سورهٴ شوري فرمود كه: \*«جعلناه نوراً نهدي به من نشاء من عبادنا و انك لتهدي الي صراط مستقيم»\*﴿86﴾ تو كارت تبليغ كردن است، گفتن است. تو فقط مردم را آگاه مي‌كني. چي بر مردم واجب است، چي حرام. اما آن نوري كه در دل مي‌تابد، به وسيلهٴ آن نور راهيان حركت مي‌كنند، آن دست من است. \*«انك لتهدي الي صراط مستقيم»\*﴿87﴾ صراط مستقيم، صراط كيست؟ \*«صراط الله الذي له ما في السموات و ما في الارض الا الي الله تصير الامور»\*﴿88﴾  (و الحمد لله رب العالمين)  پاورقي‌ها:  (1) سورهٔ فاتحة الكتاب، آيهٔ 6.  (2) سورهٔ تغابن، آيهٔ 11.  (3) سورهٔ نور، آيهٔ 54.  (4) سورهٔ فاتحة الكتاب، آيهٔ 5.  (5) سورهٔ نور، آيهٔ 54.  (6) سورهٔ نور، آيهٔ 54.  (7) سورهٔ ليل، آيات 5 ـ 7.  (8) سورهٔ ليل، آيات 5 ـ 7.  (9) سورهٔ فاتحة الكتاب، آيهٔ 5.  (10) سورهٔ نور، آيهٔ 54.  (11) سورهٔ تغابن، آيهٔ 11.  (12) سورهٔ مائده، آيهٔ 16.  (13) سورهٔ اسراء، آيهٔ 9.  (14) سورهٔ مائده، آيهٔ 16.  (15) سورهٔ فرقان، آيهٔ 1.  (16) سورهٔ مدثر، آيهٔ 31.  (17) سورهٔ فرقان، آيهٔ 1.  (18) سورهٔ مدثر، آيهٔ 31.  (19) سورهٔ مائده، آيهٔ 16.  (20) سورهٔ مريم، آيهٔ 33.  (21) سورهٔ مريم، آيهٔ 15.  (22) سورهٔ مائده، آيهٔ 16.  (23) بحار، ج 83، ص 119.  (24) مفاتيح الجنان، دعاي تعقيب نماز صبح.  (25) مفاتيح الجنان، دعاي تعقيب نماز صبح.  (26) سورهٔ صافات، آيهٔ 23.  (27) سورهٔ صافات، آيهٔ 23.  (28) سورهٔ صافات، آيهٔ 23.  (29) سورهٔ صافات، آيات 23 ـ 25.  (30) سورهٔ صافات، آيهٔ 23.  (31) سورهٔ اعراف، آيهٔ 43.  (32) سورهٔ فاظر، آيهٔ 34.  (33) سورهٔ اعراف، آيهٔ 43.  (34) سورهٔ زمر، آيهٔ 74.  (35) سورهٔ ملك، آيهٔ 8 ـ 9.  (36) سورهٔ صافات، آيات 114 ـ 118.  (37) سورهٔ آل عمران، آيهٔ 164.  (38) سورهٔ حجرات، آيهٔ 17.  (39) سورهٔ نور، آيهٔ 54.  (40) سورهٔ تغابن، آيهٔ 11.  (41) سورهٔ انفال، آيهٔ 29.  (42) سورهٔ انسان، آيهٔ 3.  (43) سورهٔ بلد، آيهٔ 10.  (44) سورهٔ اعراف، آيهٔ 16.  (45) سورهٔ اعراف، آيهٔ 16.  (46) سورهٔ يس، آيهٔ 1 ـ 4.  (47) سورهٔ ص، آيهٔ 83.  (48) سورهٔ بقره، آيهٔ 188.  (49) الكافي، ج 1، ص 15.  (50) سورهٔ ق، آيهٔ 16.  (51) سورهٔ ناس، آيهٔ 5.  (52) سورهٔ ق، آيهٔ 16.  (53) بحار، ج 25، ص 205.  (54) سورهٔ تغابن، آيهٔ 11.  (55) سورهٔ انعام، آيهٔ 125.  (56) نهج البلاغه، حكمت 147.  (57) سورهٔ بقره، آيهٔ 185.  (58) سورهٔ مدثر، آيهٔ 36.  (59) سورهٔ مدثر، آيه 31.  (60) سورهٔ فرقان، آيهٔ 1.  (61) سورهٔ حديد، آيهٔ 23.  (62) سورهٔ انعام، آيهٔ 125.  (63) سورهٔ انعام، آيهٔ 125.  (64) سورهٔ كهف، آيهٔ 13.  (65) سورهٔ كهف، آيهٔ 13.  (66) سورهٔ كهف، آيهٔ 13.  (67) سورهٔ حج، آيهٔ 24.  ﴿68﴾ نهج البلاغه، نامه 31، ص 405؛ إياك أن تذكر من الكلام ما يكون مضحكاً وإن حَكَيْتَ ذلك عن غيرك.  (69) سورهٔ قصص، آيهٔ 56.  (70) سورهٔ تغابن، آيهٔ 11.  (71) سورهٔ شوري، آيهٔ 52.  (72) سورهٔ شوري، آيهٔ 52.  (73) سورهٔ تغابن، آيهٔ 11.  (74) سورهٔ نور، آيهٔ 54.  (75) سورهٔ رعد، آيهٔ 27.  (76) سورهٔ شوري، آيهٔ 13.  (77) سورهٔ تغابن، آيهٔ 11.  (78) سورهٔ فاتحة الكتاب، آيهٔ 6.  (79) سورهٔ شوري، آيهٔ 52.  (80) سورهٔ شوري، آيهٔ 52.  (81) سورهٔ قصص، آيهٔ 56.  (82) سورهٔ نور، آيهٔ 54.  (83) سورهٔ هود، آيهٔ 114.  (84) سورهٔ قصص، آيهٔ 56.  (85) سوره مائده، آيه 67.  (86) سورهٔ شوري، آيهٔ 52.  (87) سورهٔ شوري، آيهٔ 52.  (88) سورهٔ شوري، آيهٔ 53.    عکس  || | RSS |
|  |
| |  |  |  | | --- | --- | --- | |  |  |  | |